

آدرس و منابع :

- ۱) عبدالرحمن السیوطی، تاریخ الخلفاء، بغداد، مکتب المثنی، ص ۲۵۹.
- ۲) حاج شیخ عباس قمی، الأنوار البهی، مشهد، مؤسسه منشورات دینی مشهد، ص ۱۷۰.
- ۳) مختصر تاریخ العرب، ط ۲، تعریب: عقیف البعلبکی، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۶۷ م، ص ۲۰۹.
- ۴) الصواعق المحرقة، قاهره، مکتب القاهره، ص ۲۰۳.
- ۵) ابن واضح، تاریخ یعقوبی، نجف، منشورات المکتب الحیدری، ۱۳۸۴ ه.ق، ج ۳، ص ۱۳۲.
- ۶) مسعودی، مروج الذهب، بیروت، دارالاندلس، ج ۳، ص ۳۱۲.
- ۷) سید امیر علی، مختصر تاریخ العرب، ط ۲، تعریب: عقیف البعلبکی، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۶۸ م، ص ۲۱۳.
- ۸) عبدالرحمن السیوطی، تاریخ الخلفاء، بغداد، مکتب المثنی، ص ۲۷۷.
- ۹) ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ج ۶، ص ۷۳- ابن طقطقا، الفخری، بیروت، دارصادر، ص ۱۸۵.
- ۱۰) شریف القرشی، باقر، حیات الامام موسی بن جعفر، ط ۲، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۹ ه.ق، ج ۱، ص ۴۳۶.
- ۱۱) ابن واضح، تاریخ یعقوبی، نجف، منشورات المکتب الحیدری، ۱۳۸۴ ه.ق، ج ۳، ص ۱۳۷.
- ۱۲) شریف القرشی، همان کتاب، ص ۴۴۲.
- ۱۳) ابن اثیر، همان کتاب، ج ۶، ص ۸۴.
- ۱۴) قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْأَثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ... (سوره اعراف: ۳۳).
- ۱۵) يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا... (سوره بقره: ۲۱۹).
- ۱۶) گویا مقصود وی این بود که به حکم قرابتی که میان بنی هاشم هست، علم و دانش امام کاظم برای مهدی نیز موجب افتخار است.
- ۱۷) کلینی، الفروع من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامی، ج ۶، ص ۴۰۶.
- ۱۸) مسعودی، همان کتاب، ص ۳۲۴.
- ۱۹) مسعودی، مروج الذهب، بیروت، دارالاندلس، ج ۳، ص ۳۲۵- ابوالفرج الأصفهانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۵، ص ۱۸۴.
- ۲۰) عبدالرحمن السیوطی، تاریخ الخلفاء، بغداد، مکتب المثنی، ص ۲۷۹.
- ۲۱) ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ج ۶، ص ۱۰۲.
- ۲۲) ابوالفرج الأصفهانی، همان کتاب، ص ۱۶۰.
- ۲۳) ابوالفرج الأصفهانی، همان کتاب، ج ۵، ص ۱۶۳.
- ۲۴) ابوالفرج الأصفهانی، همان کتاب، ص ۱۸۵.
- ۲۵) ابن واضح، تاریخ یعقوبی، نجف، منشورات المکتب الحیدری، ۱۳۸۴ ه.ق، ج ۳، ص ۱۴۲.
- ۲۶) وی حسین بن علی بن حسن بن علی بن ابی طالب است و چون در سرزمینی بنام «فخ» در ۶ میلی مکه در جنگ با سپاهیان خلیفه عباسی به قتل رسید، به «صاحب فخ» یا «شهید فخ» مشهور گردید.
- ۲۷) مجد بن جریر الطبری، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، دارالقاموس الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۵- ابوالفرج الأصفهانی، مقاتل الطالبیین، نجف، منشورات المکتب الحیدری، ۱۳۸۵ ه.ق، ص ۲۹۴-۲۹۵- ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ج ۶، ص ۹۰.
- ۲۸) پس از شهادت حسین بن علی، هنگامی که سر بریده او را به مدینه آوردند، پیشوای هفتم از مشاهده آن سخت افسرده شد و با تأثر و اندوه عمیق فرمود: به خدا سوگند او يك مسلمان نیکوکار بود، او بسیار روزه می‌گرفت، فراوان نماز می‌خواند، با فساد و آلودگی مبارزه می‌نمود، وظیفه امر به معروف و

- نهی از منکر را انجام می‌داد، او در میان خاندان خود بی‌نظیر بود (ابوالفرج الأصفهانی، مقاتل الطالبیین، نجف، منشورات المکتب الحیدری، ۱۳۸۵ ه.ق، ص ۲۰۲).
- (۱۲۹) ابوالفرج الأصفهانی، همان کتاب، ص ۲۸۵.
- (۱۳۰) ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ج ۶، ص ۹۳- مجد بن جریر الطبری، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، دارالقاموس الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۸۰ پس از شکست سپاه حسین صاحب فح، و شهادت او، «یحیی بن عبدالله» با گروهی به «دیلیم» رفت و در آنجا به فعالیت پرداخت و مردم آن منطقه به او پیوستند و نیروی قابل توجهی تشکیل دادند، ولی هارون بادیانسسی او را به بغداد آورد و به طرز فجیعی به قتل رسانید. مشروح شهادت او را در فصل «نیرنگهای هارون» خواهیم آورد.
- (۳۱) مجلسی، بحار الأنوار، تهران، المکتب الاسلامی، ۱۳۸۵ ه.ق، ج ۴۸، ص ۱۶۵.
- (۳۲) مجلسی، همان کتاب، ص ۱۶۹- کلینی، الأصول من الکافی، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۸۱ ه.ق، ج ۱، ص ۳۶۶- ابوالفرج الأصفهانی، مقاتل الطالبیین، نجف، منشورات المکتب الحیدری، ۱۳۸۵ ه.ق، ص ۲۹۸.
- (۳۳) مجلسی، همان کتاب ج ۴۸، ص ۱۵۱.
- (۳۴) گرچه بنی‌امیه چنین دستاویزی برای تصاحب خلافت در دست نداشتند، اما به طرق دیگری در صد کسب محبوبیت در افکار عمومی بودند. اقدامات مزورانه معاویه در زمینه جعل حدیث به نفع خود، و خریدن محدثان دروغ‌پرداز و مزدور، گوشه‌ای از تلاشهای پرتزویر حکومت بنی‌امیه به شمار می‌رود.
- (۱۲۵) امام القلوب و انت امام الجسموم، (ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، قاهره، مکتب القاهره، ص ۲۰۴).
- (۳۶) السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا ابن عم!
- (۳۷) السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا اب (شيخ مفيد، الأرشاد، قم، مکتب بصیرتی، ص ۲۹۸- ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ج ۶، ص ۱۶۴- ابن اثیر، البدای والنهای، ط ۲، بیروت، مکتب المعارف، ۱۹۷۷ م، ج ۱۰، ص ۱۸۳- ابن حجر هیتمی، همان کتاب، ص ۲۰۴).
- (۳۸) وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كَلَّا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ (سوره انعام: ۸۵ و ۸۶).
- (۳۹) شبلنجی، نور الأبصار، قاهره، مکتب المشهد الحسینی، ص ۱۴۹- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، نجف، مکتب دارالکتب التجاری، ص ۲۲۰- ابن حجر هیتمی، همان کتاب، ص ۲۰۳ امام در این گفتگو غیر از آیه مزبور با آیه مباهله نیز استدلال کرد که طی آن امام حسن و امام حسین با تعبیر «ابنائنا» فرزندان پیامبر شمرده شده‌اند.
- (۴۰) مجلسی، همان کتاب، ج ۴۸، ص ۱۲۷.
- (۴۱) سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيٍ لَّا يُؤْمِنُوبَهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرَّشَادِ لَّا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (سوره اعراف: ۱۴۶).
- (۴۲) مجلسی، همان کتاب، ج ۴۸، ص ۱۳۸- عیاشی، تفسیر عیاشی، قم، المطبع العلمی، ج ۲، ص ۳۰.
- (۴۳) دکتر صاحب الزمانی، ناصرالدین، آنسوی چهره‌ها، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۴۳ ه.ش، ص ۳۱.
- (۴۴) جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، ۱۳۳۶ ه.ش، ج ۵، ص ۱۶۳.
- (۴۵) جرجی زیدان، همان کتاب، ص ۱۷۳.
- (۴۶) جرجی زیدان، همان کتاب، ص ۱۶۳.
- (۴۷) دکتر الوردی، علی، نقش وعاظ در اسلام، ترجمه مجد علی خلیلی، تهران، انتشارات مجله ماه نو، ص ۳۹.
- (۴۸) احمد امین این قسمت را از ابوالفرج اصفهانی در کتاب الأغانی (ج ۵، ص ۲۴۱) نقل می‌کند.
- (۴۹) امین، احمد، ضحی الاسلام، ط ۷، قاهره، مکتب النهض المصری، ج ۱، ص ۱۱۲-۱۱۳، با اندکی

تلخیص.

(۵۰امین، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۶۲-۱۶۳.

(۵۱) ماشنت لا ما شأت الأقدار فاحکم فانت الواحد القهار! (جرجی زیدان، تاریخ تمدن

اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، ۱۳۳۶ ه.ش، ج ۴، ص ۲۴۲).

(۵۲) دکتر الوردی، علی، نقش و عاظ در اسلام، ترجمه مجد علی خلیلی، تهران، انتشارات مجله ماه نو، ص ۵۵.

(۵۳) ابوالفرج الأصفهانی، مقاتل الطالبین، نجف، منشورات المکتب الحیدری، ۱۳۸۵ ه.ق، ص ۳۰۸. مرحوم کلینی در کتاب کافی (ج ۱، ص ۳۶۶) نامه ای از یحیی بن عبدالله خطاب به امام موسی بن جعفر علیه السلام - نقل می‌کند که یحیی در آن، روش آن حضرت و پدر ارحم‌اندیش امام صادق علیه السلام - را مورد انتقاد قرار داده و امام پاسخ تندی به او داده است. مرحوم علامه مامقانی در کتاب خود (تنقیح المقال، تهران، انتشارات جهان، ج ۳، ماده یحیی (با اشاره به این نامه می‌گوید: سند این روایت غیر قابل خدشه است، ولی مضمون این روایت مخالف چیزی است که درباره یحیی اطلاع داریم (یعنی شاید اشتباهی از راویان حدیث باشد). اما مؤلف کتاب «حیة الامام موسی بن جعفر» اثبات می‌کند که این روایت قابل اعتماد نیست، زیرا اولاً مرسل است و ثانیاً در سند آن افرادی هستند که ناشناخته اند و در کتب رجال اسمی از آنها نیست (حیة الامام موسی بن جعفر، ط ۲، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ ه.ق، ج ۲، ص ۹۹). (۵۴) وهب بن وهب ابوالبختری قرشی مدنی است که در بغداد سکونت داشت و در زمان خلافت مهدی عباسی، از طرف او مدتی قاضی دادرسی ارتش بود و سپس در مدینه به قضا اشتغال داشت. ابوالبختری فردی آلوده و منحرف و دروغگو بود و احادیث وی از نظر بزرگان علم حدیث، فاقد ارزش و اعتبار است (شمس الدین الذهبی، مجد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ط ۱، قاهره، مطبع السعادی، ۱۳۲۵ ه.ق، ج ۳، ص ۲۷۸).

(۵۵) یحیی بن عبدالله قبلاً امان‌نامه را به «مالک بن انس» و برخی دیگر از فقهای آن روز ارائه کرده بود و آنان صحت و اعتبار آن را تأیید کرده بودند.

(۵۶) امین، احمد، ضحی الاسلام، ط ۷، قاهره، مکتبه النهضة المصری، ج ۲، ص ۲۰۳.

(۵۷) امین، همان کتاب، ج ۲، ص ۲۰۴.

(۵۸) شریف القرشی، باقر، حیة الامام موسی بن جعفر، ط ۲، نجف، مطبع الآداب، ج ۲، ص ۱۰۰. نیز ر.ک به: دکتر الوردی، نقش و عاظ در اسلام، ترجمه مجد علی خلیلی، تهران، انتشارات مجله ماه نو، ص ۵۲.

(۵۹) علاوه بر این، او را از سمت قضا برکنار کرد (امین، همان کتاب، ج ۱، ص ۲۰۴).

(۶۰) چگونگی قتل یحیی مورد اختلاف است (شریف القرشی، همان کتاب ج ۲، ص ۱۰۰). «یعقوبی» می‌نویسد:

یحیی از شدت گرسنگی در زندان جان سپرد. یکی از کسانی که با یحیی زندانی بوده می‌گوید: ما هر دو در يك محل زندانی بودیم و سلولهای ما، در کنار هم قرار داشت و گاهی یحیی از پشت دیوار کوتاهی که میان ما فاصله بود، با من گفتگو می‌کرد. روزی گفت: امروز نه روز است که به من آب و غذا نداده اند! روز دهم مأمور ویژه او وارد سلول وی شد و سلول را تفتیش کرد، سپس لباسهای او را از تنش در آورد و او را تفتیش بدنی کرد، از زیر لباسهای او يك چوبه نی پیدا کرد که داخل آن روغن ریخته بودند (که گویا یحیی گاهی از شدت گرسنگی مقداری از آن می‌مکیده و به این وسیله سدّ جوع می‌کرده است). مأمور، نی را از او گرفت، و به دنبال آن یحیی بی‌رمق نقش زمین شد و جان به جان آفرین تسلیم کرد! (تاریخ یعقوبی، نجف، منشورات المکتب الحیدری، ۱۳۸۴ ه.ق، ج ۳، ص ۱۴۵).

(۶۱) می‌گویند: در آن زمان کسی قاضی القضاات بود که به تعبیر امروز سمت وزارت دادگستری، ریاست دیوان عالی داشت. مدعی العمومی دیوان کشور، پستهای قضائی ارتش، و محکمه انتظامی دیوان کیفر را یکجا به عهده داشت. باتوجه به این پستهای حساس و مهم، اهمیت قاضی ابو یوسف در دستگاه حکومت هارون بخوبی روشن می‌گردد. پیداست این همه اختیارات و پستها را بی‌جهت به کسی واگذار نمی‌کردند!

- (۶۲) عبدالرحمن السیوطی، تاریخ الخلفاء، بغداد، مکتب المثنی، ص ۲۹۱.
- (۶۳) ابن کثیر البدای و النهای، ط ۲، بیروت، مکتبه المعارف، ۱۹۷۷ م، ج ۱۰، ص ۲۱۶.
- (۶۴) شیخ طوسی، الفهرست، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ص ۲۳۴.
- (۶۵) طوسی، همان کتاب، ص ۲۳۴- نجاشی، فهرست اسماً مصنفی الشیع، قم، مکتب الداوری، ص ۱۹۴.
- (۶۶) نجاشی، همان کتاب، ص ۱۹۵.
- (۶۷) پیشگوییهای امام صادق علیه السلام - از حوادث و فتنه های آینده در پاسخ سؤالاتی که در این زمینه از آن حضرت شده بود.
- (۶۸) مناظره با یکی از شکاکان در حضور امام.
- (۶۹) طوسی، همان کتاب، ص ۲۳۴.
- (۷۰) ابن ندیم در فهرست خود، یقطین پدر علی را شیعه معرفی نموده و بعضی از دانشمندان بزرگ گذشته و معاصر شیعه نیز سخنان او را، بدون ذکر مأخذ، نقل کرده اند، ولی برخی از محققان معاصر ثابت نموده اند که پدر علی شیعه نبوده است (تستری، مجد تقی، قاموس الرجال، تهران، مرکز نشر کتاب، ج ۷، ص ۹۰).
- (۷۱) نعمانی، ابن ابی زینب، کتاب الغیب، تهران، مکتب الصدوق، ص ۲۹۵. علی بن یقطین این معنا را از پیشوای هفتم آموخته بود، زیرا روزی عین این سؤال را از آن حضرت پرسید، و امام همین پاسخ را داد (نعمانی، همان کتاب، ص ۲۹۶، پاورقی، به نقل از علل الشرایع).
- (۷۲) طوسی، اختیار معرف الرجال، تحقیق: حسن المصطفوی، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ص ۴۳۳.
- (۷۳) مجلسی، بحار الأنوار، تهران، المکتب الاسلامی، ۱۳۸۵ ه.ق، ج ۴۸، ص ۱۵۸.
- (۷۴) مجلسی، همان کتاب، ص ۱۳۶- طوسی، همان کتاب، ص ۴۳۳.
- (۷۵) طوسی، همان کتاب، ص ۴۳۶-۴۳۷.
- (۷۶) ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ج ۳، ص ۵۵۱- ابن قتیبه، الأمام و السیاس، الطبع الثالث، قاهره، مکتب مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۸۲ ه.ق، ج ۱، ص ۱۹۱.
- (۷۷) در این زمینه در بخش زندگانی امام صادق علیه السلام - بحث کرده ایم.
- (۷۸) طوسی، همان کتاب، ص ۴۳۴.
- (۷۹) طوسی، همان کتاب، ص ۲۶۹.
- (۸۰) طوسی، همان کتاب، ص ۴۳۳.
- (۸۱) مجلسی، همان کتاب، ج ۴۸، ص ۱۵۸.
- (۸۲) طوسی، همان کتاب، ص ۴۳۴. این مبلغ که کمتر از این نیز نقل شده است، گویا برحسب شخصیت و موقعیت افراد فرق می کرده است.
- (۸۳) طوسی، همان کتاب، ص ۴۳۷ و ۴۳۴.
- (۸۴) مامقانی، تنقیح المثال، تهران، انتشارات جهان، ج ۲، ص ۳۱۷.
- (۸۵) عبدالرحمن بن حجاج که از محضر امام صادق و امام کاظم علیه السلام - نیز بهره ها برده بود، از شخصیت های پاک و برجسته و ممتاز شیعه بود (نجاشی، فهرست اسماً مصنفی الشیع، قم، مکتب الداوری، ص ۶۵، مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال تهران، انتشارات جهان، ص ۱۴۱ امام ششم به او می فرمود:
- ای عبدالرحمن با مردم مدینه به گفتگو و بحث علمی بپرداز، زیرا من دوست دارم در میان رجال شیعه، افرادی مثل تو باشند (اردبیلی، جامع الرواة، منشورات مکتب آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ج ۱، ص ۴۴۷- طوسی، همان کتاب، ص ۴۴۲).
- عبدالله بن یحیی کاهلی نیز از موقعیت خاصی در محضر امام کاظم علیه السلام - بر خوردار بود، به طوری که امام بارها در مورد او به علی بن یقطین سفارش می نمود، چنانکه روزی به وی فرمود: تأمین رفاه

کاهلی و خانواده او را تضمین کن تا بهشت را برای تو تضمین نمایم! (طوسی، همان کتاب، ص ۴۰۲) علی نیز طبق دستور امام از هر جهت زندگی کاهلی و افراد خانواده و خویشان او را تا آخر عمر وی تأمین کرده او را زیر پوشش تکفل و حمایت بی‌دریغ خویش قرار داده بود (طوسی، همان کتاب، ص ۴۴۸).

(۸۷) شیخ مفید، الإرشاد، قم، مکتب بصیرتی، ص ۲۹۳- شبلنجی، نور الأبصار، مکتب المشهد الحسینی، ص ۱۵۰- ابن صباغ مالکی، الفصول المهم، نجف، مکتب دارالکتب التجاری، ص ۲۱۸- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ج ۴، ص ۲۸۹.

(۸۸) سبط ابن جوزی، تذکر الخواص، نجف، منشورات المکتب الحیدری، ۱۳۸۲ هـ.ق، ص ۳۵۰- ابن شهر آشوب، همان کتاب، ص ۳۲۰- ابوالفرج الأصفهانی، مقاتل الطالبیین، نجف، منشورات المکتب الحیدری، ۱۳۸۵ هـ.ق، ص ۳۵۰.

(۸۹) مجلسی، همان کتاب، ج ۴۸، ص ۲۳۲- شبلنجی، همان کتاب، ص ۱۵۱- ابن صباغ مالکی، همان کتاب، ص ۲۲۰- ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، قاهره، مکتب القاهره، ص ۲۰۴. برای آنکه به حجم و جوهی که از نقاط مختلف به حضور امام ارسال می‌شد پی ببریم، کافی است به ارقام زیر توجه کنیم: هنگام شهادت امام کاظم علیه السلام - مبلغ هفتاد هزار دینار نزد زیاد بن مروان قندی و مبلغ سی هزار دینار در تحویل علی بن حمزه (دو نفر از نمایندگان آن حضرت) بود.

علاوه بر اینها مبلغ سی هزار دینار نیز در تحویل عثمان بن عیسی رواسی نماینده امام در مصر بود (مجلسی، همان کتاب، ج ۴۸، ص ۲۵۲-۲۵۳).